

سازمان غذا و دارو: پول دارو در چاله چوله‌های نظام سلامت گم می‌شود

روز نوشت‌های یک مسئول دارویی



مدیرکل داروی سازمان غذا و دارو گفت: «اکنون در بدترین حالت ممکن از لحاظ ارزی وریالی قرار داریم. پولی که برای دارو می‌آید، در چاله چوله‌های نظام سلامت گم می‌شود». اینکه در بدترین حالت ممکن ارزی وریالی قرار دارند، چیز تازه و عجیبی نیست؛ مدت‌هاست همه در همین حالت هستیم. ولی اینکه پول دارو در چاله چوله‌گم می‌شود، کمی غریب است. برویم دفتر خاطرات یک مسئول پول دارو در چاله چوله را بخوانیم تا بفهمیم جریان چیست.

صادرات و واردات

یک شماره ناشناس زنگ زد و گفت آقای دکتر ف (فلانی) سلام رسانده‌اند و گفته‌اند ۱۰ درصد پول رسیده را کار نداشته باشید، به صورت دلار دولتی برای امر خیر می‌خواهند. گفتم به آقای دکتر سلام برسانید. چه امر خیری؟ گفت قرار است فرزند دکتر ف در کانادا ازدواج کند، برای شایبش بالای سر عروس دلار لازم دارند. پس از آن، جلسه بررسی بودجه وزارتخانه بود. فهرست خرج کرد و تخصیص پول را بر دم تا گزارش بدهم. خوشبختانه توانسته بودم تقریباً ۲ درصد از بودجه را برای خرید دارو با چنگ و دندان نگه دارم. وقتی این را اعلام کردم، مدیر بخش تجهیزات سازمان گفت که آن مقدار پول را باید بدهم تا برای اتاق عمل بیمارستان‌ها موتور برق وارد کنند. توضیح داد چون قطعی برق در پیش داریم، بد است که دکتر و بیمار در اتاق عمل بی برق بمانند. آخر جلسه معاونم گفت داماد همین مدیر بخش تجهیزات در کار صادرات زعفران و واردات موتور برق و پمپ آب و کپسول گاز و ماسک اکسیژن و تصفیه هواست.

حق العمل

از حسابرس‌ها خواستم که ریز صورت حساب‌ها را بدهند. بندهایی در لیست بود که تا حالا به گوشم هم نخورده بود. مثلاً یک قسمت بود برای نصب کشو زیر میز پزشکان برای سهولت در دریافت زیرمیزی. یک قسمت هم به عنوان حق العمل رؤسایی که مهاجرت کرده‌اند، یعنی رئیس‌هایی که به خارج مهاجرت کرده‌اند هم هنوز حق العمل می‌گیرند. عجیب است!

حوادث اورژانسی

امروز رئیس سازمان تزریقات تماس گرفت و التماس دعا داشت. این سازمان هم جالب است. چند سال پیش یکی از معاونان وزرای اسبق چون پسرش آمپول می‌زد، یک سازمان تأسیس کرد به نام تزریقات و برایش ردیف بودجه گرفت. از همان زمان این سازمان هم تبدیل شده است به یکی از چاله چوله‌های ما. آقای مهندس نامه زد که بخشی از بودجه را کنار بگذارم برای حوادث اورژانسی. در جواب پرسیدم که چنین ردیف بودجه‌ای تا حالا نداشته‌ایم و اصلاً چی هست؟ رئیس دفتر ایشان تماس گرفت و گفت آقای مهندس گفته‌اند صلاح نبوده است به صورت مکتوب پاسخ بدهند. تلفنی گفت منظور حوادثی است که برای آمبولانس‌هایی می‌افتد که مدیران را از خط ویژه عبور می‌دهد تا در ترافیک نمانند!

تخس بودجه

امروز بودجه وزارتخانه واریز شد. بودجه نسبتاً خوبی هم هست. آقای دکتر از من خواست تا آن را به عدالت بین بخش‌ها تخصیص کنم. خیلی کار سختی است. این قدر چاله چوله در این سازمان داریم که داخل هر کدام یک مثقال هم بریزیم، به خیلی‌ها نمی‌رسد. با مدیران جلسه داشتیم برای بررسی بودجه. مسئول بخش چاله‌های بیمارستانی گفت کارانه کارمندان مانده است. قرار شد بخشی از بودجه را به آن‌ها بدهیم. بلافاصله مسئول بخش چوله‌های اورژانسی هم گفت اضافه کار کارکنان آن‌ها هم چند ماه پرداخت نشده است. قرار شد یک درصدی از آن را هم ما بدهیم.

صفحه ۵
۲۲ آذر ۱۴۰۴
شماره ۱۵۸



برنامه‌ریزی

زمان مناسب را پیدا کنید. تحقیقات نشان می‌دهد که بهترین زمان یادگیری همان زمانی است که دیگران دارند. نه شما. حتی فردا، ماه بعد، سال بعد، پس از تمام کردن درس، پس از بازنشستگی، پس از رفتن بچه‌ها به خانه بخت و... زمان‌هایی طلایی هستند که هرگز نمی‌آیند. اما نقطه شروع تصمیم امروز شما را می‌سازند.

فکر کنید

با خودتان روراست باشید؛ الان وقت یادگرفتن است؟ شما دیگر باید دمپایی ابری بپوشید و زیر پتو بخزید و از پنجره رفت و آمد فصل‌ها را ببینید. فوق فوقش جای دم کنید و آخر هفته قرص و داروی کل هفته را توی جعبه ساعت قرص‌هایتان بچینید. اگر کسی در پنجاه یا شصت سالگی زبان با هنر آموخت، حتماً استثنا بوده است. زندگی از قوانین ساخته شده است تا شما خیلی هم مجبور به تلاش نشوید.

گشوده باشید!

کسی که هر روز تمرین می‌کند، لابد وقتش زیادی است. حرفه‌ای هاگویا فقط الهام می‌گیرند. ویدئوهای آموزشی را ذخیره کنید، کانال‌ها را دنبال کنید و تادا! جریان انرژی کائنات به سمت یادگیری شما می‌چرخد.